

خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا میرود دیوار کج (1)

جبهه همبستگی مطروحه از جانب شورای ملی مقاومت در گستره اپوزیسیون بخش قابل توجهی از این نیروها را به تحرک و موضعگیری علنی کشانیده است و مقوله جبهه و اتحاد عمل را به عنوان تنها و یگانه سلاح موثر در مقابله با رژیم هار حاکم ابعادی نوین بخشیده و در میان بخشی از این نیروها به بحث و کنکاش در علل و انگیزه های طرح کشانیده است. در امتداد این طرح سیل نظرات و موضعگیری های نقادانه سمت و سو و جهت داده است که این مطلب بخودی خود مثبت بودن

این ابتکار و درجه حساسیت افکار عمومی در چارچوب اپوزیسیون را به این مقوله نشان میدهد یعنی تمایل به گفتگو و بحث و مجادله حول راهها و چگونگی پاک نمودن این لکه ننگ و سیاهی از کشورمان ایران تا جائیکه این جنب و جوش تازه در میان بخشی از متفکرین و دلسوختگان تا حدودی دعوای خانگی این رژیم را در سایه فعلیت خود گرفته است و حساسیت های سیاسی را بسوی جبهه و اتحاد عمل و آینده این طرح برانگیخته است. بی تردید جبهه و اتحاد عمل در سطح اپوزیسیون مخالف رژیم با تمایل و اراده این یا آن حزب و جریان سیاسی و حتی وجهی از وجوه این طیف شکل نخواهد گرفت و چنانچه این تمایل و حرکات سیاسی ناشی از آن جسته و گریخته بدون تحلیل مشخص و آگاهانه و همه جانبه از شرایط و نیروهای تشکیل دهنده اپوزیسیون انجام پذیرد از محدوده ای فراتر نخواهد رفت و در بلوک بندیهای موجود باقی خواهد ماند اگر چه مثبت و در امتداد شکل گیری اتحاد عمل گسترده و فراگیر ارزیابی میشود اما هنوز فرسنگ ها با تحقق عملی این پدیده در مفهوم واقعی و مادی خود فاصله خواهد داشت. پروسه شکل گیری جبهه یا ائتلاف عمومی و... نیازمند شرایطی عینی میباشد که اولین آن نیاز و وجود ضرورت عینی آن در صحنه سیاسی میباشد. این ضرورت با توجه به پارامترهای پراکندگی نیروهای اپوزیسیون و بحرانهای عمیق و حاد در منطقه و وضعیت انفجاری سیاسی / اجتماعی / اقتصادی کشور و همچنین بلوغ نسبی نظری در میان این نیروها که برخاسته از درک و لمس محورها و مجادلات و بحث ها و برنامه های ارائه شده تاکنونی میباشد به روشنی نمایان و محسوس میباشد و امروزه کمتر جریان سیاسی را میتوان یافت تا بر این نیاز فوری و ضروری جنبش شبیه ای داشته باشد. شکی نیست که پرداختن به این در حوزه نظری و در اشکال متفاوت تاکنونی آن از ضروریات دخول به حوزه

عمل و ایجاد آن میباشد اما گفتگوی عمومی و دمکراتیک در سطح وسیع از واجبات است و این اقدام تنها کانال و مجرای پایه ریزی همگامی و اقدامات مشترک میباشد

و بدون عبور موفقیت آمیز از این گذرگاه صحبت از جبهه و یا همگامی عمومی پندار و توهمی بیش نخواهد بود. توسل به ارتباطاتی تنگاتنگ و دمکراتیک در مفهوم تام و تمام آن چه در چارچوب جبهه و چه خارج از آن میان این نیروها ضرورتی انکار ناپذیر است و دستیابی به آن با گفتگوهای متقابل و از روبرو امکان پذیر خواهد بود. شکی نیست که دوری و فاصله گرفتن از تعلقات ایدئولوژیک و آرمان های استراتژیک از پیش شرط های ورود به این عرصه میباشد. وجود واقعی و عینی نقاط و فصول مشترک سیاسی مرحله ای و تمرکز روی این محورها در میان گرایش های متنوع از ملزومات است و دقیقا این نکته ماخذ انتقاداتی است که به سازمان مجاهدین و شورا انجام میپذیرد. آیا اعتقاد به جمهوری دمکراتیک اسلامی فصل مشترکی است میان آنها با کلیت اپوزیسیون که مقوله جدایی دین از دولت را سالهاست بعنوان امری بدیهی و مطالبه ای پایه ای از جانب توده ها پذیرفته اند؟ با کدامیک از نیروهای اپوزیسیون در این زمینه همخوانی دارند؟ این تناقض تنها گریبان این سازمان و شورا را خواهد گرفت و لاغیر. نقد صادقانه و انقلابی آن راهگشای جبهه ضد استبداد و همگامی با مطالبات پایه ای توده ها خواهد بود در غیر این صورت تحقق چنین اتحاد

عملی به وحی از آسمان و معجزات عدیده نیازمند است. طبیعی است که وجود چنین تناقضاتی در عرصه نیروهای اپوزیسیون کم نیستند اما آنچه که دل سوختگان انقلاب و تشنگان آزادی و عدالت اجتماعی را سرافراز از میان کوره راههای شکل گیری این پدیده بیرون خواهد آورد نه مامور اطلاعات سازی از منتقدین این تناقضات و نقاط کور این طرح بلکه پاسخ و انتقاد از خود انقلابی در راستای فراهم نمودن مقدمات چنین جبهه ای میباشد. چنانچه اهدافمان همان اهداف مردم ستمزده ایران است و نه برافراشته نمودن هر چه بیشتر قامت ضد استبدادی شخصیت های سیاسی موجود در اپوزیسیون که خوشبختانه کم هم نیستند. بی تردید با دامن زدن به کیش شخصیت و سازمانی به تنزل هر چه بیشتر ارتباطات دمکراتیک میان نیرو های موجود دامن میزنیم و پروسه شکل گیری جبهه را به تعویق می افکنیم هر چند که یا اتحاد را رساتر از دیگران فریاد زنیم. شکی نیست که شخصیت های سیاسی نقشی کیفی در شکل گیری این جبهه میتوانند داشته باشند همانطور که توان به تاخیر انداختن انرا نیز در محدوده ای دارا میباشدند. اما آنچه که در معادلات سیاسی میان جریانات موجود نقش میزند نه قد و قواره این یا آن شخصیت است بلکه حقانیت نظری و صحت و سلامت گفتار و کردار آن نیروست گفتمان هژمونی است که باید کسب شود و بستر ظهور آن در هر مجموعه ای صداقت عملی و صحت نظری است که تنها در جوی سالم

که برابری آرا و نظرات در آن تضمین شده پروسه دستیابی به آن را
متحقق مینماید. بنابر این شرط دیگر حضور در مجامع و گردهمایی های
اینچنینی دست شستن از تزریق تبلیغاتی و فشاری شخصیت های ساخته
و پرداخته درون سازمانی میباشد و این گفتار تنها به یک سازمان ختم
نمیشود و بخشی از نیروهای موجود را در بر میگیرد. ...
ادامه دارد
روزبه وین

ruzbeh2009@yahoo.de